

## ادله عقلی - فلسفی

### بر طول عمر امام زمان - عج -

#### تبیین بحث:

مبتنی بر عقل و برهان و نیز معارف و حیانی باشد، حَقَانِیَّت آن مذهب به راحتی قابل پذیرش است. خصوصاً در دنیای امروزی که سعی می‌کنند هر سخنی را با براهین عقلی و فلسفی مطابقت بدهند.

البته در این جا این نکته را متذکر بشویم که اثبات طول عمر از راه علوم تجربی و زیست شناسی و شناخت فیزیولوژی بدنی نیز قابل بحث است که البته دانشمندان زیادی در مقالات و کتب گوناگون در این باب قلم زده‌اند و مسئله از لحاظ علم تجربی اثبات شده است. از نظر نقلی (آیات و روایات) نیز بر این مطلب مهر تأیید نهاده شده است. و در

مطلبی که این مقاله در پی اثبات آن است این است که بر اساس اعتقاد شیعه «مهدی موعود» بیش از هزار و صد سال پیش (در سال ۲۵۵ق) تولد یافته و اکنون زنده است و البته در پس پرده غیبت است و جهان هستی انتظار ظهورش را می‌کشد و این که يك انسان بیش از هزار سال از عمر او بگذرد - در حالی که نوع بشر از چنین عمری برخوردار نیستند - جای سؤال است.

حقانیت و عظمت يك مذهب در گرو آن است که شبهات و اشکالات را چگونه پاسخ می‌گوید. هر چه پاسخ‌ها متین‌تر و

### مفهوم شناسی

در این مقاله، نخست باید مفهوم دو واژه مورد توجه قرار گیرد: یکی بحث «امکان» است که باید معلوم بشود که مراد از امکان در اینجا چه امکانی است؟ کلمه دوم «برهان» است وقتی که مفهوم کلمه برهان تعریف بشود، برهان عقلی و فلسفی نیز قابل فهم خواهد بود:

امکان: برای امکان چند تعریف شده است، مانند امکان ذاتی، امکان وقوعی، امکان احتمالی، امکان تشریحی، ولی قدر مشترك همه آنها این است: نسبة الوجود والعدم إلى ماهية الشيء سواسية: نسبت وجود و عدم چیزی مساوی باشد.

کلمه دوم «برهان» است. برهان نیز دارای تعریفات گوناگونی است ولی قدر مشترك این تعاریف آن است که «قیاس مؤلف من یقینیات یتتج یقیناً بالذات اضطراراً»<sup>(۱)</sup>: برهان قیاسی است که برگرفته از مقدمات یقینی است که نتیجه آن بالضرورة معلوم می‌شود، یعنی برهان از آن

طول تاریخ در این باره تحقیق‌ها و تألیف‌ها صورت گرفته است. از نظر عملی و وقوعی نیز چه در تورات و انجیل و چه در قرآن کریم و چه در کتب تاریخی و چه در روایات نمونه‌های متعددی از انسان‌ها را به عنوان مصداق معرفی کرده‌اند که دارای عمر طولانی و خارق‌العاده بوده‌اند.

اما در کنار این بررسی‌ها، مبحث طول عمر از دیدگاه عقلی و فلسفی را کمتر مد نظر قرار داده‌اند. گویا امکان آن را از حیث —بـراهین عقلی و فلسفی مسلم گرفته‌اند. لذا به طور خلاصه گذرا و در چند جمله، برهان عقلی و فلسفی را در مورد امکان طول عمر مطرح کرده و گذشته‌اند لذا دیده نشده است که آن را مستقلاً مورد بحث و نقد قرار دادند و زوایای آن را تحلیل کرده باشند. از این رو، این مقاله در پی اثبات طول عمر امام زمان از منظر عقلی و فلسفی و طرح تقریرهایی است که توسط دانشمندان در این زمینه بیان شده است.

چنان مقدمات یقینی برخوردار است که ذاتاً آدمی به نتیجه آن می‌رسد و نتیجه آن مقبول می‌افتد.

### تذکر چند نکته لازم

۱. مقدار متوسط طول عمر آدمی، مورد اختلاف است: بعضی ۷۰ سال گفته‌اند و بعضی بیشتر مطرح کرده‌اند، حتی بعضی ۱۰۰ سال نیز گفته‌اند و اجماعی در این جا بین دانشمندان مطرح نیست، حتی بعضی از عالمان شیعه مثل شیخ صدوق در کتاب «کمال الدین و تمام النعمة» را در فصل جداگانه که آن را تحت عنوان «معمّرین» مطرح کرده، از ۱۲۰ سال تا بیش از هزار سال را از منظر عملی و وقوعی و از منظر نقلی مطرح کرده است و چون بحث در این مقاله از منظر عقلی است، حد متوسط عمر آدمی چندان مورد توجه نیست.

۲. بعضی از علمای بزرگوار امکان طول عمر را امکان ذاتی گرفته‌اند و بعضی دیگر امکان وقوعی که در ادامه، به هر دوی این مطلب توجه داده می‌شود.

۳. فرقی بین برهان فلسفی و برهان

عقلی نیست، هر چند بعضی از بزرگان، برهان عقلی را برهان بی‌حجاب دانسته و گفته‌اند: برهان عقلی آن است که برای هر عاقل منصف و آگاهی مقبول افتد، اما برهان فلسفی در حجاب استدلالات فلسفی پوشیده است ولی در این مقاله فرقی بین برهان عقلی و برهان فلسفی نمی‌بیند و براهین فلسفی بر امکان طول عمر را برگرفته و روی دیگر سکه برهان عقلی می‌داند. این نکته در این جا از این نظر مورد تذکر واقع شد که این شبهه به وجود نیاید، چرا برهان عقلی از برهان فلسفی متمایز نشده‌اند.

۴. ممکن است بعضی از تقریرات و بیان‌های فلسفی و عقلی که در ادامه، به آن‌ها اشاره می‌شود با هم تداخل داشته باشند یعنی يك مطلب در دو بیان آمده باشد و لکن ما به خاطر آن که بزرگان، آن را در بیان‌های مختلف مطرح کرده‌اند در تقریرات متعدد مطرح کرده‌ایم تا هم با بیان بزرگان آشنا شویم و هم قواعد و براهین دیگر مد نظر قرار گیرد.

## بیان‌ها و براهین فلسفی

اینک مطالب ارزشمندی را که عالمان و بزرگان گرانقدر در امکان طول عمر حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ارائه کرده‌اند، در قالب تقریرات و بیان‌های متعدد مطرح می‌کنیم:

### تقریر اول:

مرحوم شهید صدر یکی از عالمان بزرگوار محقق است که در این باب زحمت کشیده است و مطالب را از منظر امکان طول عمر مورد بررسی قرار داده است.

ایشان در کتاب «بحث حول المهدی» می‌نویسد: امور در عالم بر سه قسم است: یک قسم امور طبیعی است که این امور فراوان هستند و کل عالم را پر کرده‌اند و یک قسم امور محال هستند و امتناع ذاتی دارند، مثل وجود شریک الباری یا ... ولی در این عالم ما یک سلسله امور داریم که فراطبیعی هستند و به تعبیر دیگر خارق‌العاده هستند و البته این خارق‌العاده

گاهی اوقات در قالب معجزه انجام می‌گیرد مثل این که آتش بر ابراهیم علیه السلام سرد می‌شود. امور خارق‌العاده در عالم فراوان است و البته بسیاری از آنها نام معجزه به خود نگرفته است. امکان طول عمر حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نیز از امور فرا طبیعی است که امکان آن را عقل و علم ثابت کرده است لذا چون امروز دانش تجربی، این مسئله را قبول دارد در پی آن است که راز طول عمر را کشف کند و تلاش می‌کند که به دست آورد که چطور پیری را عقب بیاورد. شهید صدر اضافه می‌کند: هرگاه پاسداری از حیات و زندگی یکی از حجت‌های الهی ضروری باشد، الطاف خداوند دخالت می‌کند و برای نگهداری او، یکی از قوانین طبیعی را به حالت تعطیل درمی‌آورد. (۱)

### تقریر دوم:

این تقریر در بیان چند تن از عالمان و بزرگان شیعه چون ملاصدرای شیرازی و نیز در بیان فخر رازی از عالمان اهل سنت

انسان دارای جسم و نفس است و جسم آدمی در تدبیر و سلطه نفس او است، حال که نفس آدمی جسم او را تدبیر می‌کند و تسلط بر جسم او دارد، اگر نفس به حدی قوی باشد که نه تنها تسلط کامل بر جسم داشته باشد بلکه حتی ولایت - و نه تدبیر امور و نفوس و اجسام دیگر - را داشته باشد، این نفس می‌تواند در جسم خود تدبیر کند و با اذان الهی تا آن جا که می‌شود این جسم را همراه خودش حرکت بدهد و ببرد تا زمان طولانی‌تر ادامه و بقاء حیات خود را با آن هماهنگ کند. (۲)

#### تقریر چهارم:

تقریر دیگری که در جهت اثبات امکان ذاتی مطرح است که باز از جملات مرحوم ملاصدرا قابل استفاده است. طبق این تقریر، بقاء در وجود آدمی ذاتاً امکان دارد و عدم بقاء به جهت امر عارضی است. عارضی هم ممکن العدم است. یعنی اگر عارض نیاید این آدمی عمرش دوام دارد. و

آمده است. این تقریر به این صورت است که: مؤثر در وجود آدمی و تمامی مخلوقات، واجب الوجود است و واجب الوجود دائمی است و تأثیر واجب الوجود نیز دائمی است (تا وقتی که خود مؤثر اراده کند). لذا هرگاه اراده رب العالمین دخالت کند دوام وجودی، بیشتر خواهد بود و حتی ممکن است دائمی هم باشد. پس امکان طول عمر آدمی به اراده الهی بستگی دارد که مؤثر وجود آدمی است و این مطلب استبعادی ندارد که کسی بیشتر از دیگران داشته باشد. (۱)

چنان که ملاحظه می‌شود، این تقریر نیز مثل تقریر اول، امکان ذاتی طول عمر غیر طبیعی را اثبات می‌کند.

#### تقریر سوم:

تقریر سوم نیز که در بیان بعضی از بزرگان معاصر آمده است، امکان ذاتی این امر را با تعبیر دیگر اثبات می‌کند، از جمله استاد جوادی آملی چنین استدلال می‌کند:

۱. اسفار، ج ۸، ص ۹۷، ج ۳، ص ... ، تفسیر فخر رازی، ج ۲، ذیل آیه ۲۵۹ سوره بقره.

۲. عصارة خلقت، امام زمان (عج) جوادی آملی، ص ۲۴ و ر. ک: نهج الولاية، حسن زاده آملی، ص ۷.

مطرح کرده است، او می نویسد:

طبق قواعد فلسفی و حکمی و عقلی، هر طبیعتی که قابل زیاده و نقصان در عالم وجود باشد باید فرد اکمل و همچنین فرد کامل آن طبیعت در خارج موجود گردد زیرا هر طبیعتی طالب کمال نهایی خود است. و این قاعده‌ای است که بسیاری از قواعد فلسفی روی آن بنا شده است که از جمله آنها وجود فرد کامل در بین بشر به نام نبی یا حکیم یا امام است. مطابق این قانون که با برهان به اثبات رسیده قابلیت زندگی و عمر بیشتر دارای مراتب متعددی در خارج است. لذا عمر هزار سال یا دو هزار سال را به یقین نمی توان نهایت مرتبه امکان زندگی مطرح کرد. (۲)

#### تقریر ششم:

برخی از عالمان به نوعی با برهان وقوعی استدلال کرده اند. این بزرگان بعضاً از آیه ۲۵۹ سوره بقره (جریان زنده شدن عزیز امکان وقوعی این امر را استفاده

به عبارت ساده تر، قریب به اتفاق مرگ آدمیان اخترامی است یعنی به واسطه بلیات و آفات و امراض است، و تا آدمی دچار این بلیات و آفات نگردد عمر او دراز است و چون وجود مبارك آن امام معصوم که مصون به حفظ الهی و پرده نشین غیبت و محفوظ از بلیات و آفات است، لذا عمر آن حضرت، استبعادی ندارد:

«فالنفس الإنسانية إذ خرجت من القوة إلى الفعل اما في السعادة العقلية الملكية أو في الشقاوة الشيطانية أو السبعية أو البهيمية انتقلت عن هذه النشأة إلى النشأة أخرى بالطبع وإذا ارتحلت عن البدن مرض الموت وهذا هو الأجل الطبيعي المشار إليه في الكتاب الإلهي ﴿كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ﴾ وهو غير الآجال الاخترامية التي تحصل بعروض الأسباب الاتفاقية». (۱)

#### تقریر پنجم:

این تقریر را مرحوم شیخ مجتبی قزوینی که از صاحب نظران مکتب تفکیک

۱. اسفار، ج ۸، ص ۱۰۹.

۲. بیان القرآن، شیخ مجتبی قزوینی، ج ۵، ص ۱۱.

عبارت بود از انجیر تازه و یا انگور و نوشیدنی عبارت بود از آب انگور یا شیر.

با این آیه استدلال کرده‌اند که اگر طعام و شراب بعد از صد سال باقی بمانند در حالی که روح در آنها نیست، پس به یقین و با قیاس اولویت، انسان که دارای روح است عمر بیش از مدت طبیعی و عادی را می‌تواند دارا باشد. (۱)

آیه الله حسن زاده آملی نیز مثال جالبی در همین راستا مطرح می‌کند و می‌نویسد: وقتی مقبره فرعون را شکافتند و خاک برداری کردند در آن جا دانه‌های گندم پیدا کردند و شك کردند که آیا قدرت نمو در آن هست یا نه؟ وقتی آنها را کاشتند دیدند سبز شد و شکفت و بارور شد. (۲) پس يك انسان نیز می‌تواند عمر فرا طبیعی به خود بگیرد.

#### تقریر هفتم:

بسیاری از علمای بزرگوار شیعه که امکان طول عمر را يك امر مسلم گرفته‌اند از این قاعده فلسفی بهره برده‌اند که «أدَلّ دلیل

کرده‌اند. خداوند در این آیه می‌فرماید: ﴿فَانظُرْ إِلَىٰ طَعَامِكَ وَشَرَابِكَ لَمْ يَتَسَنَّهْ وَانظُرْ إِلَىٰ حِمَارِكَ وَلِنَجْعَلَ آيَةَ لِلنَّاسِ وَاَنْظُرْ إِلَىٰ الْعِظَامِ كَيْفَ نُنشِزُهَا ثُمَّ نَكْسُوها لَحْمًا﴾. عزیر به اراده و امر الهی صد سال مرد و بعد از صد سال زنده شد و ابتدا گمان کرد که يك روز یا نصف روز درنگ کرده است، لکن خداوند متعال به او فرمود صد سال درنگ کردی و نشانه آن این است که به خوراك و نوشیدنی خود بنگر [که طعم و رنگ آن] تغییر نکرده، و به درازگوش خود نگاه کن [که چگونه متلاشی شده است، این ماجرا برای آن است که هم به تو پاسخ گوئیم] و هم تو را [در مورد معاد] نشانه‌ای برای مردم قرار دهیم. و به [این] استخوان‌ها بنگر، چگونه آنها را برداشته و به هم پیوند می‌دهیم، سپس گوشت بر آن می‌پوشانیم.

طبق نص این آیه الهی طعام و شراب بعد از صد سال باقی مانده بود و البته برای توضیح بیشتر باید به کتب تفسیری مراجعه کرد که در آنها آمده است: طعام عزیر

۱. الفرقان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ذیل آیه ۲۵۹، سوره بقره، محمد صادقی تهرانی.

۲. هزار و يك نکته، حسن زاده آملی، ص ۱۳۸.

علی امکان شیء وقوعه» و بزرگانی چون ملاصدرا<sup>(۱)</sup> نیز ابتدا به این دلیل اشاره می‌کند و علمای بزرگوار و محدثینی چون شیخ صدوق، شیخ طوسی و علامه مجلسی نیز آن را مطرح کرده‌اند. البته از قاعده فلسفی نام نبرده‌اند ولی آن را تحت عنوان «تجربه تاریخی یا اخبار دال بر وقوع در زمان گذشته» مطرح کرده‌اند و با همین استدلال امکان طول عمر را یک امر مسلم به حساب آورده‌اند. البته در میان این هفت تقریر تقریر دوم و سوم متقن‌تر و متین‌تر جلوه می‌کند چون هم با قواعد فلسفی و عقلی سازگارتر است و هم با مبانی روایی.

مرحوم شیخ صدوق با توجه به این که در گذشته نیز چنین عمرهای طولانی واقع شده است، به حدیثی از رسول اکرم ﷺ استناد می‌کند که: «آن چه در میان امت‌های پیشین روی داده همانند آن، میان این امت نیز وجود داشت».

مرحوم شیخ صدوق در کتاب کمال الدین و تمام النعمة، فصلی جداگانه در مورد معمرین دارد و در آن بیش از ده‌ها نفر را برمی‌شمرد که دارای عمرهایی بیش از صد و بیست تا سه هزار سال داشته‌اند<sup>(۲)</sup> مرحوم شیخ مفید نیز به این مطلب اشاره کرده است<sup>(۳)</sup> مرحوم کراجکی نیز که در باب طول عمر کتاب مستقلی به نام «البرهان علی صححة طول عمر الإمام صاحب الزمان» دارد در این کتاب به این مطلب اشاره دارد و برخی از معمرینی را که در طول تاریخ مطرح بوده‌اند برمی‌شمرد.

همچنین مرحوم خواجه نصیر طوسی، این مطلب را مطرح می‌کند و از تجربه تاریخی یاد می‌کند و می‌فرماید: هم در جانب پیامبران خدا چون خضر و الیاس، طول عمر و حیات باقی مطرح است، هم در جانب دشمنان مثل ابلیس و دجال و سامری، هم در شریعت اسلامی و هم در شرایع دیگر. پس چرا در جانب وسط که

۱. تفسیر القرآن الکریم، ملاصدرا، ج ۶، ص ۳۰۱.

۲. کمال الدین و تمام النعمة، شیخ صدوق، ص ۵۱۵۳.

۳. مصنفات شیخ مفید، ج ۳، ص ۹۳.



اولیای خدا باشند طول عمر جایز نباشد؟<sup>(۱)</sup>  
 برای اتمام در این تقریر اضافه می‌شود  
 که در تورات نیز از کسانی نام برده شده  
 است که دارای عمر طولانی بوده‌اند مثلاً در  
 تورات آمده است: پس تمام ایام «آرم» که  
 زیست نهصد و سی سال بوده که مرد ...  
 پس جمله ایام «انوش» نهصد و پنج سال بود  
 که مرد. و تمام ایام «تینان» نهصد و ده سال  
 بود که مرد. پس جمله ایام «متوشلح نهصد  
 و شصت و نه سال بود که مرد- پس تمام ایام  
 «لمک» هفتصد و هفتاد و هفت سال بود که  
 مرد.<sup>(۲)</sup>

### نتیجه

از این همه مباحث این مطلب قابل  
 اثبات است و شاید بدیهی بنماید که امکان  
 طول عمر يك مطالب کاملاً مطابق با براهین  
 عقلی و فلسفی است و بر همین مبناست که  
 محدثین و علمای بزرگوار شیعه وقوع آن را از  
 حیث نقلی و روایات و بعضاً از حیث علمی

و تجربی مد نظر قرار داده‌اند.  
 ولی نکته‌ای که نباید در پایان بحث از  
 آن غافل ماند و بسیاری از بزرگان و علمای  
 شیعه متذکر آن شده‌اند این است که طول  
 عمر امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه  
 الشریف) در هر حال بر اساس اراده و  
 قدرت الهی است و چیزی جز خارق عادت  
 نیست. مرحوم علامه طباطبایی در یکی از  
 آثار خود به این مطلب اشاره دارد و  
 می‌فرماید: هیچ قاعده و برهان عقلی وجود  
 ندارد که بر محال بودن طول عمر دلالت  
 کند، به همین جهت نمی‌توانیم طول عمر را  
 انکار کنیم<sup>(۳)</sup> و در جای دیگر می‌نویسد:  
 اگر کسی روایات وارد شده از رسول اکرم ﷺ  
 و امامان اهل بیت علیهم السلام در خصوص امام  
 غایب را مطالعه کرده باشد به این نتیجه  
 می‌رسد که نوع حیات آن حضرت به صورت  
 معجزه و خرق عادت است و خرق عادت  
 امری محال نیست و نمی‌توان خرق عادت را  
 از طریق علم به طور مطلق منفی کرد.

۱. تلخیص المحصل، خواجه نصیرالدین طوسی، ص ۴۳۳.

۲. تورات، سفر پیدایش، باب ۵، آیات ۵-۳۳.

۳. المیزان، ج ۱۳، ص ۳۵۲.

ولی به نوع خاصی است که فرا طبیعی می‌نماید و حالت خرق عادت به خود می‌گیرد. و بر همین اساس است که بعضی از بزرگان قائل شده‌اند حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) وقتی ظهور کند عمر حضرت به سیر طبیعی خواهد بود. (۲)

عواملی در عالم تأثیر گذارند که هرگز منحصر در حوزه دید و شناخت ظاهری ما نیست و ما نمی‌توانیم عوامل دیگر را از ماوراء طبیعت نفی کنیم<sup>(۱)</sup> و این عوامل بیانگر آن است که طول عمر حضرت از نوع خاصی است، یعنی طول عمر حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) هر چند با امکان عقلی و فلسفی سازگار است

### از مسجد و محراب به دوریم...

با آب گنه توشه عقبی بسرشتیم  
فرداست که بینی همه خاک و همه خشتیم  
بس خار معاصی که در این مزرعه کشتیم  
ما بنده پیران کلیسا و کنشتیم  
نیکیم از اویم و از اویم چو زشتیم  
مستوره کردستانی

رفتیم و پس از خود عمل خیر نهشتیم  
امروز بدین عالم خاکی به چه نازیم؟  
بس کار مناهی که در این مرحله کردیم  
از مسجد و محراب به دوریم و تو گویی  
در حشر ز نیک و بد ما دوست چه پرسد؟

۱. شیعه در اسلام، ص ۱۹۸.

۲. موعود شناسی، علی اصغر رضوانی، ص ۶۴۲.